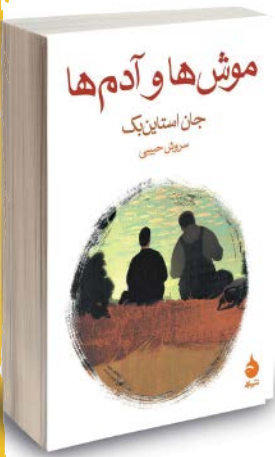


اقتصاد آمریکایی

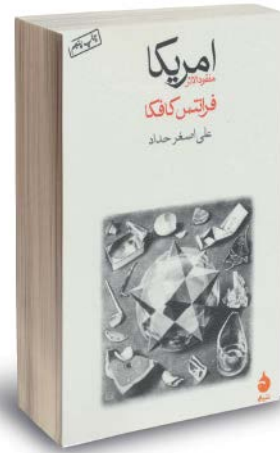
«موش‌ها و آدم‌ها» معروف‌ترین و نه بهترین کار جان اشتاین‌بک است ولی از آنجا که اثری نمادین است در نوع خود یکی از آثار موفق نویسنده محسوب می‌شود. «خوشه‌های خشم» مشهورترین اثر این نویسنده آمریکایی است که اغلب او را با این کتاب می‌شناسند ولی آثاری نظیر موش‌ها و آدم‌ها و «شرق بهشت» و... نیز در کارنامه او دیده می‌شود که هرکدام در نوع خود پنجره‌ای به جهان ذهنی این نویسنده است؛ حتی می‌توان اشتاین‌بک را یکی از فعال‌ترین نویسنده‌ها در روایت آمریکا دانست. آمریکایی که در آن همه چیز در اختیار یک گروه است و باید گفت او توانسته در این حوزه کارهای مهمی انجام دهد. موش در داستان معنا نمادین دارد. موش در واقع نماد کارگران و زجر آنها در برابر ظلم ارباب‌هاست. کارگرانی که مورد استثمار ثروتمندان قرار گرفته‌اند و مثل موش در چنگال آنها اسیر و ناچار به زندگی بی‌رفاه و بی‌امکانات شده‌اند و حتی آرزوهای آنها نقش بر آب شده است. این رمان در واقع نقدی بر سیاست‌های اقتصادی برآمده از تفکر آمریکایی است که امروز اثر آن را در نقاط بسیاری از جهان شاهد هستیم. اشتاین‌بک شاید در اثرش به نقد آمریکا و سیستم آمریکا پرداخته باشد ولی در واقع افقی بلندتر را پیش روی مخاطب خود قرار داده تا در ظرف زمان و مکان داستان او محدود و محصور نشود.



آمریکا در تبعید

«نخوانده بسوزان»؛ این خلاصه وصیت فرانتس کافکا به دوستش ماکس برود است که از او می‌خواهد پس از مرگش تمام آثار او را نخواند و بسوزاند! «آمریکا» یکی از همان آثاری است که قرار بوده نخوانده بسوزانده شود ولی برود گوش به وصیت کافکا نمی‌دهد و آثار او اعم از کامل یا نیمه تمام را پس از مرگ این اسطوره ادبیات چک منتشر و زمینه شهرت جهانی او را پس از مرگش فراهم می‌کند. احتمالاً «مسخ» که مشهورترین اثر این نویسنده آلمانی‌زبان است را خوانده باشید ولی او اثری با عنوان «مفقود الاثر» دارد که وصی او نامش را به «آمریکا» تغییر داده و منتشر کرده است.

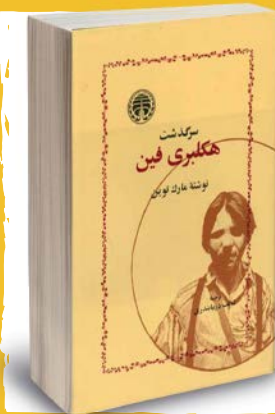
ما در آمریکا با جهانی روبه‌رو هستیم که همه چیز بر پایه بی‌اعتمادی قرار دارد. هیچ چیز قابل اطمینانی نیست مگر چیزهایی که پشت دریاها جامانده است. شخصیت نوجوان داستان در این رمان از همان صحنه اول شاهد تبعیض است؛ شاهد فضایی که صدای افراد زیردست به گوش کسی نمی‌رسد. در این کتاب اتفاقاتی که برای شخصیت داستان روی می‌دهد



جلوه‌ای تازه از آمریکا را برای خواننده روشن می‌کند. او بابت یک گناه محکوم به یک تبعید بی‌بازگشت شده و حالا اینجا در «آمریکا» بابت گناه نکرده عقوبت می‌شود و با او برخورد صورت می‌گیرد. کافکا در این رمان تصویری از آمریکا را به خواننده نشان می‌دهد که روابط انسانی در کم‌رنگ‌ترین حالت ممکن است و حتی می‌توان گفت وجود ندارد و آنچه اهمیت ندارد و جوه فردی و انسانی است و آنچه اهمیت دارد پول است.

چالش آمریکایی

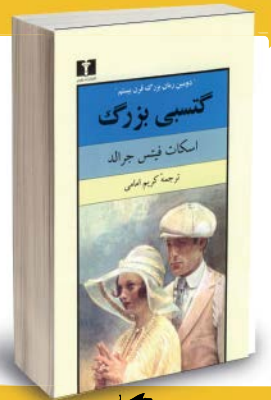
«چیزی پیش از آن نبوده است»؛ این توصیفی است که ارنست همینگوی از داستان «هاکلبری فین» انجام داده و گفته «ماجراهای هاکلبری فین بهترین کتابی است که تا به حال داشته‌ام». رمانی که مارک تواین آمریکایی آن را در ادامه داستان «تام سایر» نوشته است. اما حتی اگر همینگوی هم از این کتاب تعریف و تمجید نمی‌کرد چیزی از اهمیت و جایگاه این کتاب کم نمی‌شد. کتابی که با طنزی گزنده که گویای توانایی قلمی تواین است علیه تبعیض نژادی نوشته شده و باورهای غلطی که توسط بزرگان جامعه ترویج می‌شود را به چالش کشیده است. این کتاب که بسیاری آن را دنباله‌ای بر ماجراهای تام سایر دانسته‌اند یکی از شاهکارهای قرن ۱۹ ادبیات آمریکاست که در آن نویسنده ماجراهای یک سفید و سیاه را بازگو کرده است.



جاز آمریکایی

اسکات فیتزجرالد در این رمان که تا ۱۵ سال اقبال زیادی ندید و تنها ۲۵ هزار نسخه از آن به فروش رفت، تصویری از آمریکای جزیره ثبات را به نمایش گذاشته که هرکسی از این ثبات به اسم و رسم و نان و نوایی رسیده است. فیتزجرالد این دوره را «عصر جاز» نامیده؛ دوره‌ای که پس از دوران رکود اقتصادی است و موسیقی جاز نماد این دوره است که در داستان نیز کارکرد خود را دارد. این داستان را باید یکی از نمونه‌های آرام و البته عمیق روایت آمریکایی دانست که در آن نویسنده بی‌محابا علیه سبک زندگی آمریکایی نوشته و آن را به نقد کشیده است.

همین ابتدا موضع را درباره این کتاب روشن کنم، که همواره برایم سوال شد چرا این اثر باید در رتبه دومین اثر مهم قرن بیستم باشد؟ یعنی هرقدر بالا و پایین کردم متوجه علت این ماجرا نشدم، اما «گتسبی بزرگ» از حیث بازنمایی تصویر آمریکای قرن بیستم و جهش اقتصادی ناشی از دور بودن از میدان درگیری اثر موفق است. اثری که به خوبی نشان می‌دهد تاثیر آن رشد اقتصادی در زندگی افراد به وضوح مشهود است. طبقه تازه به دوران رسیده برآمده از رشد اقتصادی دهه ۲۰ میلادی در این اثر نقد شده‌اند و گروه‌های دیگر نیز به فراخور درباره‌شان حرف زده شده است.



پرتگاه نوجوانی

هولدن کالفیلد، این اسم برای بسیاری در آمریکا نماد یک نوجوان با علایق و رفتارهای خاص است که حتی سعی می‌کنند او را تکرار کنند. نوجوانی که مشهورترین اثر سلینجر با او ساخته شده است. «ناتور دشت» یکی از مهم‌ترین رمان‌های قرن بیستم است که باید آن را یک رمان ضد آمریکایی دانست که بی‌پرده از دنیای نوجوانی و خطراتی که این گروه را تهدید می‌کند حرف می‌زند از سقوطی که هر نوجوان در معرض آن قرار دارد. در ادبیات فارسی می‌توان کلمه ناتور را در بیتي از سعدی ببینیم، «جهان دیده پیری بر او برگذشت / چنین گفت خندان به ناتور دشت». این کلمه در فرهنگ لغت به معنای نگرهبان، محافظت‌کننده و باغبان آمده است. در اواخر داستان هم هولدن به خواهرش فیبی از علاقه‌اش و شغلی که دوست دارد می‌گوید. او توضیح می‌دهد که می‌خواهم «ناتور دشت» باشم. یعنی در انتهای دشت و در جایی



که کودکان ممکن است از لبه پرتگاه پرت شوند، آنها را از افتادن به دره نجات دهد. هولدن می‌گوید: «همه‌اش مجسم می‌کنم که هزارها بچه کوچک دارن تو دشت بازی می‌کنن و هیشکی هم اون‌جا نیس، منظورم آدم بزرگه، جز من. من هم لبه یه پرتگاه خطرناک و ایساده‌ام و باید هر کسی رو که میاد طرف پرتگاه بگیرم... تمام روز کارم همینیه. یه ناتور دشت...». راوی نوجوان از هوشمندی‌های این داستان است، او با صداقتی که در این سن و سال وجود دارد مشاهداتش و هرچه به فکرش می‌رسد را بازگو می‌کند و در این مسیر از هیچ تهدید و خطری هراس ندارد. هولدن کالفیلد سلینجر، راوی رک و صریحی است که این ویژگی او را در ادبیات داستانی تبدیل به یک نماد کرده است؛ نمادی که هر راوی نوجوانی را با او مقایسه می‌کنند و عیارش را با هولدن می‌سنجند.